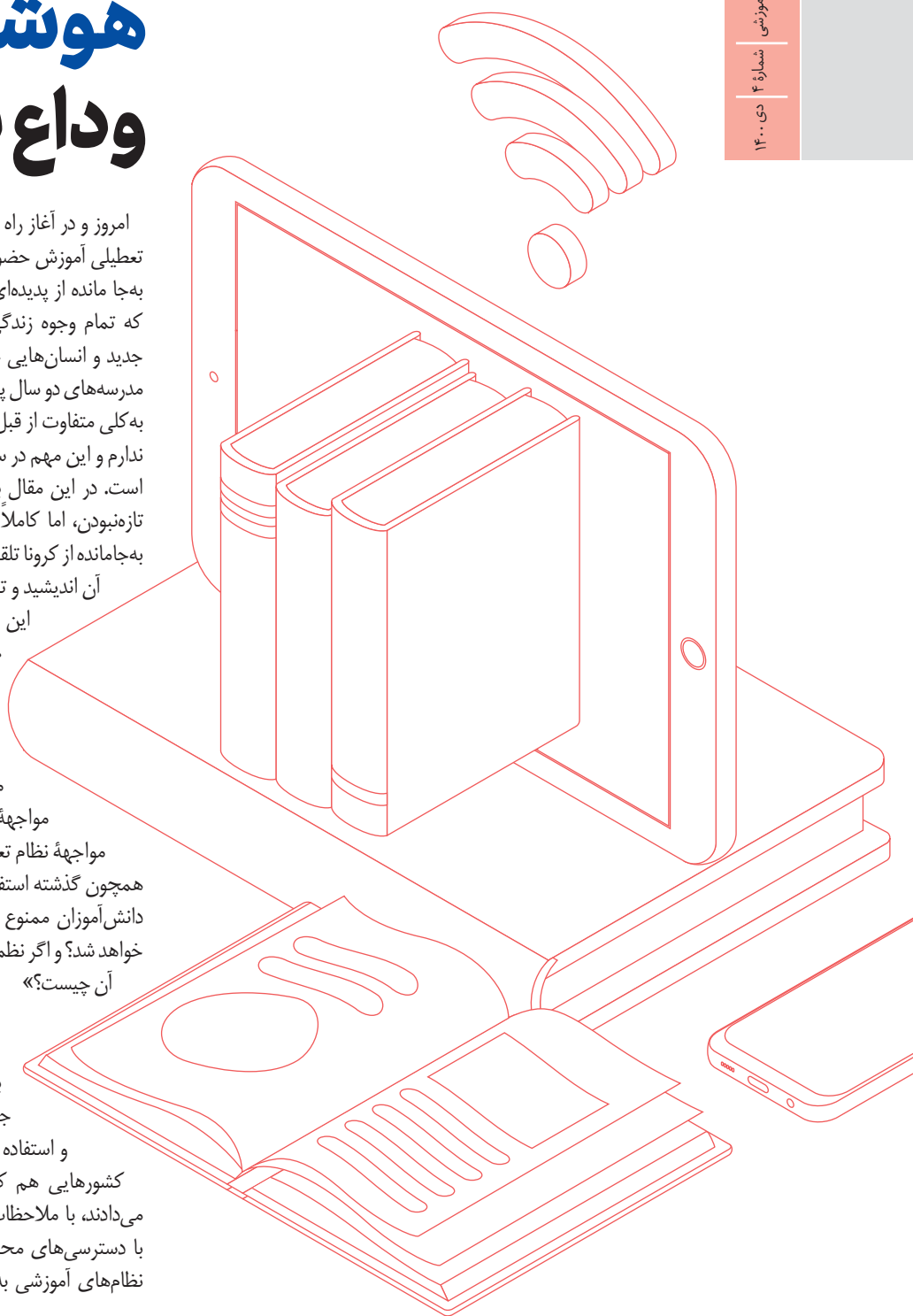


تکلیف ابزارهای هوشمند پس از وداع با کرونا

امروز و در آغاز راه بازگشایی مجدد مدرسه‌ها بعد از حدود دو سال تعطیلی آموزش حضوری، می‌توان سخن از میراثی به میان آورد که به‌جا مانده از پدیده‌ای است به‌نام همه‌گیری ویروس کرونا؛ میراثی که تمام وجوه زندگی بشر را به کلی دگرگون کرده و اجتماعی جدید و انسان‌هایی جدید پدید آورده است. مدرسه‌هایی متفاوت از مدرسه‌های دو سال پیش بازگشایی شده‌اند و معلمان و دانش‌آموزانی به‌کلی متفاوت از قبل! بنای توضیح مفصل تغییرات صورت‌گرفته را ندارم و این مهم در سرمقاله شماره مهر ۱۴۰۰ این مجله انجام شده است. در این مقاله بنای سخن از پدیده مهمی است که در عین تازه‌نبودن، اما کاملاً جدی و در فضایی جدید که به‌عنوان میراث به‌جامانده از کرونا تلقی می‌شود خودنمایی می‌کند و باید و حتماً درباره آن اندیشید و تکلیف آن را به‌صراحت روشن کرد!

این پدیده یا موضوع در قالب این سؤال قابل صورت‌بندی است: «اکنون و با تجربه حاصل‌شده از زیست آموزشی معلمان و دانش‌آموزان در دوران کرونا و محوریت و مرکزیت‌یافتن ابزارهای سیاره‌هوشمندی همچون موبایل و تبلت در جریان یاددهی و یادگیری، نحوه مواجهه مدرسه‌ها و معلمان و به‌صورت کلان نحوه مواجهه نظام تعلیم و تربیت با این ابزارها چگونه خواهد بود؟ آیا همچون گذشته استفاده و همراه‌داشتن این ابزارها در مدرسه توسط دانش‌آموزان ممنوع خواهد بود؟ یا رویکرد و سیاستی دیگر اتخاذ خواهد شد؟ و اگر نظمی نوین در این باره حاکم خواهد شد، ملاحظات آن چیست؟»

اگر نگاهی به گذشته و دوران پیشاکرونا داشته باشیم، چه در ایران و چه در عمده کشورهای جهان، همراه‌داشتن موبایل و تبلت در مدرسه‌ها و استفاده از آن‌ها در کلاس‌ها ممنوعیت داشت و معدود کشورهایی هم که اجازه استفاده از آن‌ها را به دانش‌آموزان می‌دادند، با ملاحظات سختگیرانه‌ای، نوع خاصی از این ابزارها را با دسترسی‌های محدودی تجویز می‌کردند. اما امروزه تمامی این نظام‌های آموزشی به‌طور جدی با سؤالاتی که در بالا مطرح شد،



مواجهند و باید پاسخی درخور و سیاستی بایسته اتخاذ کنند. بررسی وضعیت پیشرفت فناوری‌ها نشان می‌دهد، هر چه زمان به جلو می‌رود، توسعه و نفوذ فناوری‌های نوپدید در زوایای گوناگون زندگی بشر بیش از پیش جای خود را باز می‌کند و زیست آدمی افزون‌تر از گذشته به کاربرد این فناوری‌ها وابسته است! امروزه سخن از فناوری‌های پوشیدنی همچون عینک‌های مجازی و ساعت‌های هوشمند است که بسیاری از کارکردهای تلفن همراه هوشمند یا وسیله‌ای شبیه به آن را دارند، بدون اینکه وسیله‌ای مازاد و دارای ممنوعیت در مدرسه‌ها تلقی شوند! حتی مطالعات آینده‌نگارانه نشان می‌دهد، چندسالی بیشتر طول نخواهد کشید که مرزهای فناوری از گجت‌های پوشیدنی به نصب و کارگذاری تراشه‌های الکترونیکی در بدن آدمی خواهند رسید و اساساً اتصال به دنیای فناوری دیگر حتی به ابزارهای پوشیدنی هم نیاز نخواهد داشت، بلکه به جزئی از بدن انسان تبدیل می‌شود و قابل‌رویت هم نخواهد بود!

حال در چنین دنیایی که نوع بشر را نه تنها یارای ایستادگی در برابر سرعت پیشرفت آن نیست، بلکه عمده‌آدمیان مشتاق آن هستند و به استقبال آن می‌روند، نظام‌های آموزشی در مواجهه با وضعیت پیش‌آمده چه باید بکنند؟ آیا سیاست سابق ممنوعیت استفاده از ابزارهای سیار هوشمند در مدرسه‌ها و کلاس‌ها پاسخ‌گوی وضعیت پیش‌آمده هست؟ آیا دانش‌آموزان و معلمان و خانواده‌ها که در این دو سال علاوه بر وابستگی به این ابزارها برای رتق‌وقت امور آموزشی و یادگیری خود، محاسن و امکانات و فرصت‌های این ابزارها را به‌خوبی دریافته و بهره‌برده‌اند و بیش از گذشته و به‌طور جدی با کارکردهای آموزشی و مثبت و در مسیر کسب معرفت و دانش از این امکان‌ها آشنا شده‌اند، می‌توان همچون گذشته بهره‌گیری از این ابزارها در مدرسه منع کرد؟

البته تمام آنچه رخ داده نافی آسیب‌ها و مخاطرات این ابزارها برای کودکان و نوجوانان به‌خصوص، عامه‌کاربران به‌طور کلی، نیست! لیکن به دلیل الزام در استفاده از این ابزارها در دو سال اخیر، میزان مهارت‌های والدین و معلمان و دانش‌آموزان در شناخت جزئیات و انواع کارکردهای این ابزارها بسیار توسعه پیدا کرده است و همین توسعه در شناخت، باعث اشراف بیشتر کاربران بر فرصت‌ها و تهدیدهای این ابزارها شده و به‌نوعی اکنون به‌راحتی می‌توان با کاربران از سواد رسانه‌ای به‌طور عملی و کاربردی سخن گفت؛ به شکلی که تمام آنچه را در قالب فرصت و آسیب‌ها مطرح می‌شود، هم والدین و خانواده‌ها، و هم معلمان و دانش‌آموزان، به‌خوبی و به‌عینه درک می‌کنند.

حال با این توضیحات بر می‌گردیم به سؤالات اصلی مطرح شده در ابتدای این نوشتار؛ البته با بیانی دیگر:

آیا کماکان بناسد استفاده از موبایل و تبلت در مدرسه‌ها ممنوع باشد؟
آیا اساساً امکان ادامه این سیاست ممکن است؟
اگر بناسد سیاست‌گذاری جدیدی اتفاق بیفتد، ملاحظاتی آن چیست؟
البته پاسخ به این سؤالات سهل است و ممتنع!

آسان است از این جهت که می‌توان گفت بله! با اطلاع از کارکردهای متنوع آموزشی که این ابزارهای سیار می‌توانند داشته باشند و خود را نشان هم داده‌اند، از یک طرف، و عادت‌های عمیق شکل گرفته به استفاده از روش‌های مجازی و الکترونیکی برای کسب دانش و معرفت و ایجاد ارتباطات آموزشی و برگزاری تدریس و محاسنی از این دست از طرف دیگر، طبعاً باید به پذیرش حضور و استفاده از این ابزارها در مدرسه‌ها اقدام کرد.

اما دشوار است از این نظر که هنوز تحقیقات و تجربه‌های قابل استنادی که نشان بدهند با وجود تمامی دلایل و محاسن ذکر شده، آیا واقعاً دادن آزادی استفاده از این ابزارها در مدرسه‌ها در نهایت به بهبود کمی و کیفی آموزش و تربیت منجر خواهد شد، در دسترس نیست! اما از منظر کارشناسی می‌توان پیشنهادهایی ارائه کرد که به تصمیم‌گیری کمک و فضای پیش‌رو را قدری روشن‌تر می‌کنند: - نظام تعلیم و تربیت در پروژه‌های جدی باید در سطح سیاست‌گذاری وارد موضوع شود و مسئله را در سطح کلان حل کند. رها کردن این مسئله مهم می‌تواند به یکی از بغرنج‌ترین مسائل آتی

مدرسه‌ها و نظام آموزش و پرورش تبدیل شود.

- بعد از سیاست‌گذاری باید راهنماها و دستورالعمل‌هایی روشن، صریح و عملیاتی درباره‌ی کم و کیف و چگونگی مواجهه و استفاده از این ابزارها در مدرسه‌ها تهیه و ارائه شود.

- با فرض پذیرش مفید و مبتنی بر قواعد استفاده از این ابزارها در مدرسه‌ها، طبعاً برای

مصون ماندن از آسیب‌هایی که بعضاً لاجرم و ناگزیر هم هستند، باید در برنامه‌های کوتاه‌مدت موضوع اینترنت دانش‌آموزی یا

به تعبیر دیگر اینترنت امن را در مدرسه‌ها فراهم

کرد و در برنامه‌های میان و بلندمدت نسبت به تأمین

ابزارهای سیار هوشمند مختص دانش‌آموزان، از کودکی تا

پایان دبیرستان، اقدام کرد.

- برنامه‌های درسی، تکالیف یادگیری، محتواها و ارتباطات آموزشی باید به تدریج بازآرایی و با شرایط جدید سازگار شوند. اگر بنا داریم این ابزار فقط جنبه‌ی تفنن و سرگرمی نداشته باشد و اتفاقاً برعکس، تبدیل شود به ابزارهای اصلی برای آموزش و یادگیری که خود همین موضوع می‌تواند مانع بسیاری از آسیب‌های محتمل هم باشد، چاره‌ای نیست مگر ایجاد تحول در برنامه‌های درسی و محتواها و روش‌ها.

- باید با شیبهی ملایم انجام تغییرات حساب شده و مبتنی بر عقلانیت و برنامه را شروع کرد؛ نه منع مطلق موقت تا رسیدن به برنامه‌ای جامع جواب می‌دهد و نه آزادگذاشتن مطلق از ابتدا، باز بدون برنامه و سیاست‌های تدوین شده. لذا هم باید دست‌اندرکاران به‌سرعت به سیاست‌گذاری و تدوین راهنماهای عملیاتی اقدام کنند و هم تغییر موضع آموزش و پرورش نسبت به ابزارهای سیار هوشمند آرام‌آرام در مدرسه‌ها و کلاس‌های درس دیده شود.

